

<p>محل الصاق عکس</p>	<p>گزارش چکیده رساله فارسی و انگلیسی</p>						 دانشکده حقوق و علوم سیاسی
<p>۱۴۰۲/۰۶/۱۹</p>	<p>تاریخ دفاع:</p>	<p>دکتری</p>	<p>مقطع تحصیلی:</p>	<p>فقه و حقوق جزا</p>	<p>رشته تحصیلی:</p>	<p>سیدمهدی حجتی</p>	<p>نام و نام خانوادگی دانشجو</p>
<p>دکتر مجید قورچی بیگی - دکتر باقر شاملو و دکتر سودابه رضواتی</p>			<p>نام استاد/ اساتید داور</p>	<p>دکتر غفور خوئینی</p>	<p>نام استاد مشاور</p>	<p>دکتر امیر وطنی</p>	<p>نام استاد راهنما</p>
<p>نظم عمومی در حقوق کیفری ایران: مبانی و آثار</p>							<p>عنوان رساله</p>
<p>حقوق کیفری، پیوندی ناگسستنی با نظم عمومی دارد. در واقع نظم عمومی بدون حقوق کیفری و حقوق کیفری بدون نظم عمومی در حوزه حقوق عمومی بی مفهوم خواهد بود. در واقع این دو مؤلفه به شکلی مستمر در اصطکاک با یکدیگر قرار داشته و تعاملی دائمی بین آنها وجود دارد.</p> <p>با این حال، اگرچه در حوزه علوم جنایی، تعاریف دقیقی از حقوق کیفری ارائه شده و در هر دو گستره شکلی و ماهوی، تعاریف جامع و مانعی از حقوق کیفری ارائه شده است؛ لیکن هر اندازه که مفهوم حقوق کیفری شفاف و شناخته شده است، مفهوم نظم عمومی ناشناخته و در هاله ای از ابهام قرار دارد تا آنجا که برخی، عقیده بر تعریف ناپذیری نظم عمومی پیدا کرده اند و مآلاً همین ناشناختگی، زمینه لازم برای سوء استفاده از این مفهوم را توسط حکومت ها در عرصه قانونگذاری و نیز در عرصه حکمرانی فراهم کرده است تا آنجا که حکومت ها، نه تنها دست به وضع قوانینی می زنند که گاه بالذات مخالف با نظم عمومی است و مورد سوء استفاده افراد فرصت طلب قرار می گیرد؛ بلکه حتی در تفسیر قوانین مصوب خویش نیز بر مبنای منویات و منافع خویش عمل می کنند نه مصالح عمومی شهروندان و به همین دلیل نیز گاه تفسیر قانون به ترتیبی صورت می گیرد که این تفسیر خود، محل نظم عمومی است و بدین ترتیب، اجرای قانون نیز در جایی که وابسته به حسن عملکرد و زمامداری مطلوب است، به کیفیتی انجام می گیرد که با نظم عمومی در تعارض قرار گرفته و قانون را به ابزاری برای بر هم زدن نظم عمومی از طریق حکمرانی نادرست تبدیل می کند.</p> <p>با این تفصیل بدون شناخت درست و درک لازم از نظم عمومی، پرداختن به آن در تعامل با حقوق کیفری دشوار و متعذر است و باعث می شود که اجمال و ابهام در شناسایی دقیق مفهوم نظم عمومی، قانونگذار و دادرس کیفری را در حیطة وظایف آنها به بی راهه برده و حکمرانی مطلوب و تفسیر درست آن را با چالش مواجه کند.</p> <p>این امر در حقوق ایران که متکی بر مبانی فقهی و شرعی است و از مبانی حقوقی لیبرال تبعیت نمی کند اهمیت بیشتری پیدا می کند؛ زیرا در نظام های متکی بر شریعت بر خلاف نظام های حقوقی لیبرال و سکولار، نظم عمومی نه آن چیزی است که به صورت خودجوش و خود انگیخته در جامعه وجود دارد؛ بلکه معمولاً یک نظم تزریقی و مورد نظر شارع است که باید با تدابیر متناسب در جامعه اسلامی و با حکمرانی مورد نظر شارع به تدریج نهادینه شود و نظم خود انگیخته ای را که در تعارض با شرع قرار دارد را استحاله</p>							<p>بیان مسئله:</p>

<p>و یا از میان بردارد و برای نظم خود انگیزته موجود در جامعه که تعارضی با اصول و قواعد شرعی ندارد، مقررات لازم را در راستای حفظ نظام وضع نماید.</p> <p>همین امر باعث می شود که تبیین مفهوم نظم عمومی و ارائه تعریفی دقیق از آن، یک مسأله اصلی و پایه ای در این پژوهش باشد تا بتوان در سایه تعریفی صحیح از نظم عمومی و درک درستی از آن، تقسیم بندی لازم را از آن ارائه و نهایتاً تعیین کرد که نظم عمومی در حقوق کیفری ایران، مبتنی بر کدام یک از انواع نظم عمومی است.</p> <p>پس از آن ضروری است تا منابع و مبانی این نظم مورد شناسایی و واکاوی قرار گرفته و مشخص شود که نظم عمومی بر چه مبانی و اصولی استوار گردیده است و در واقع در حقوق کیفری ایران، نظم عمومی از چه مؤلفه ها و مبانی مشخصی سیرآب شده و تجلی بیرونی پیدا می کند و بعد از آن باید دید که نظم عمومی در حوزه حقوق کیفری شکلی و ماهوی چه آثاری به دنبال دارد و به چه ترتیبی آثار نظم عمومی در حوزه تقنینی و اجرایی هویدا می گردد.</p>	
<p>روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و خط مشی آن با توجه به عنوان تحقیق، بررسی ابعاد مختلف موضوع به صورت توصیف عینی، واقعی و منظم و نیز تبیین و تحلیل بایسته های موضوع از طریق منابع کتابخانه ای و اینترنتی با مراجعه به منابع، مبانی و اصولی است که نظم عمومی از آنها منبعت گردیده است. روش گردآوری اطلاعات این پژوهش کتابخانه ای است به گونه ای که با مراجعه به آثار موجود در کتابخانه ها ، مراکز علمی - پژوهشی و منابع اینترنتی ، مطالعات و بررسی های لازم صورت می پذیرد. اطلاعات لازم جهت نگارش این پژوهش با استفاده از مطالعه کتب و مقالات بوده و مطالب موردنظر با فیش برداری از میان مدارک کتابخانه ای جمع آوری شده است. جهت سهولت به منابع اطلاعات علمی کتابخانه ای از نرم افزارهای رایانه ای و پایگاه های علمی اینترنتی استفاده می شود. روش تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش به صورت کیفی و مبتنی بر استنباط و استنتاج محقق از منابع و مطالب موجود خواهد بود. بنابراین در پژوهش حاضر از روش کمی استفاده نشده است.</p>	<p>روش پژوهش:</p>
<p>سوالات و پرسش های تحقیق</p> <p>سوالات اصلی تحقیق: پرسش اصلی این تحقیق آن است که: ۱- چه رابطه ای بین نظم عمومی و حقوق کیفری برقرار است و تعامل این دو در نظام عدالت کیفری ایران تا کجاست؟ ۲- کارکرد حقوق کیفری بدون مؤلفه نظم عمومی در تئوری و عمل تا کجاست؟ ۳- مبانی نظم عمومی در حقوق کیفری ایران کدام است و این مبانی چگونه قابل شناسایی است و به چه ترتیبی می توان آنها را با یکدیگر تلفیق کرد؟ ۴- نظم</p>	<p>سئوال و فرضیه تحقیق:</p>

عمومی واجد چه آثاری در حوزه حقوق کیفری شکلی و ماهوی چیست و تا چه اندازه می توان با دستاویز نظم عمومی مبادرت به تحدید حقوق و آزادی های شهروندان نمود؟

سوالات و پرسش های فرعی تحقیق: ۱- در حوزه حقوق کیفری باید تک مبنایی یا چند مبنایی نظم عمومی را بالاخص در نظام عدالت کیفری ایران که مبتنی بر موازین شرعی و فقه امامیه است مورد کنکاش قرارداد و دید که با توجه به وضعیت موجود باید عقیده بر تک مبنایی بودن نظم عمومی و ایستا بودن آن داشت و یا اینکه در این عرصه، مبانی دیگری همچون اخلاق، دولت، قانون یا عرف نیز وجود دارند که جزء منابع نظم عمومی در ایران شناخته شده و حقوق کیفری ایران، از این مبانی نیز بی بهره نمانده است؟ ۲-نظم عمومی در حقوق کیفری ایران شخصی است یا نوعی و یا ترکیبی از نظم عمومی شخصی یا نوعی؟

فرضیات تحقیق

فرضیه اول در رساله حاضر آن است که بین نظم عمومی و حقوق کیفری، یک رابطه مستقیم و غیرقابل انفکاک وجود دارد که این فرضیه، در ادامه مورد راستی آزمایی قرار خواهد گرفت.

فرضیه دیگر آن است که حقوق کیفری، بدون نظم عمومی مفهوم خود را از دست خواهد داد؛ زیرا صرف وضع قوانین کیفری منتج به خلق حقوق کیفری نمی شود؛ زیرا حقوق کیفری تابع ضوابط، قواعد و اصول از پیش تعیین شده ای است که نتیجتاً باید هرگونه اقدامی در راستای وضع قانون کیفری چه در حوزه شکلی و چه در حوزه ماهوی، مبتنی بر این اصول و قواعد باشد و الاً حقوق کیفری به معنی مدرن آن شکل نخواهد گرفت.

بر مبنای فرضیه سوم، نظم عمومی یکی از مؤلفه های اساسی دخیل در نظام حقوق کیفری تلقی می شود به نحوی که حقوق کیفری در همه حال باید مبتنی بر مؤلفه نظم عمومی که در طول سایر مؤلفه ها و مبانی قرار دارد باشد.

علاوه بر این، نظم عمومی حد فاصل دقیقی است برای ایجاد محدودیت بر شهروندان هر کشور از طریق وضع قانون کیفری و ممنوعیت برخی از رفتارهای ایشان به قید مجازات و لذا مادامی که رفتاری مخل نظم عمومی نباشد، قابلیت جرم انگاری ندارد.

همچنین نظم عمومی سنجه اصلی برای کیفرگذاری و کیفرزدایی و همچنین جرم زدایی از رفتار شهروندان است و حتی در زمینه قواعد آئین دادرسی از حیث ایجاد صلاحیت برای مراجع قضایی و احاله به لحاظ جلوگیری از اخلال در نظم عمومی در زمان رسیدگی به یک دعوی کیفری مهم، دخالت غیر قابل انکار دارد.

در نظام حقوقی ایران در حوزه حقوق کیفری، با توجه به اینکه نظم عمومی همچنان در مفهوم مجرد حقوقی و قضایی خویش که بسیار مبهم و تفسیر پذیر است باقی مانده و معطوف و محدود به مفهوم قانونی نگردیده است تا جرایم علیه نظم عمومی مورد احصاء قرار گیرد؛ امکان مجازات هر رفتاری که وقوع آن در قالب جرم، منوط به اخلال در نظم عمومی گردیده است وجود دارد.

روند پژوهش:

این پژوهش با توجه به رویکردی که در انجام آن وجود داشته است در سه فصل به انجام رسیده است. بدین ترتیب که در فصل اول رساله، ماهیت، منابع و قلمرو نظم عمومی و در فصل دوم رساله منابع و مبانی نظم عمومی و در بخش سوم رساله، آثار آن مورد بررسی قرار گرفته است.

هر فصل به چند مبحث تقسیم و در هر مبحث گفتارهای مختلفی به اقتضای مطالب قابل ارائه در آن فصل مورد بررسی و ارائه قرار گرفته است.

ضرورت تقسیم بندی مباحث رساله در سه فصل مجزا، پرداختن به کلیات بحث از حیث بررسی ماهیت، مفاهیم، منابع و قلمرو نظم عمومی در یک فصل مجزا و سپس بررسی مبانی نظم عمومی به صورت مجزا به لحاظ اهمیت پرداختن به هر یک از مبانی به صورت مستقل بوده است تا پس از ارائه یک الگوی مناسب برای تشخیص مفهوم نظم عمومی، آثار و نتایج آن در حقوق کیفری ایران مورد بررسی قرار گیرد.

مهمترین یافته ها :

در این رساله بر موضوعاتی تأکید شده که تا کنون در پژوهش و تحقیقات صورت گرفته کمتر بدان ها پرداخته شده است. این تحقیق، با این پیش فرض که حقوق کیفری ایران، تلفیقی از حقوق عرفی و شرعی است؛ در پی آن است تا نوع نظم عمومی حاکم بر حقوق کیفری ایران را با بررسی انواع نظم عمومی و کنکاش در معانی انواع نظم با نگرش بر نظریه های مختلف معین نماید و با بررسی رابطه حقوق طبیعی با حقوق پوزیتیویستی معلوم نماید که نظم عمومی، زائیده چیست تا الگوی مناسبی برای تشخیص نظم عمومی در نظام عدالت کیفری ایران ارائه شود.

به علاوه با تحقیقی مفصل در حوزه فقهی، رابطه نظم عمومی در لسان حقوقی با مفهوم نظم مورد نظر فقها و شارع مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص شود که اگرچه نظم عمومی از حقوق روم وارد ادبیات حقوقی دنیا گردیده است؛ لیکن در فقه نیز سابقه ای دیرینه با مفاهیمی مجزا دارد؛ بدین ترتیب چالش نظم عمومی در اینجا و در حقوق کیفری ایران، ناظر بر تلفیق عرف و شرع و قانون در کنار هم و در تعامل با یکدیگر است و در این پژوهش هر سه مؤلفه با یکدیگر تلفیق و نتایج لازم از آن گرفته شده است. به علاوه نقش قانون به عنوان یک مؤلفه اصلی و اساسی که در طول سایر مبانی نظم عمومی قرار دارد و با دخالت عرف که نقش تفسیرکننده را در این میان ایفا و از آن به عنوان عرف مفسر یاد می شود مورد بررسی قرار گرفته تا جایگاه آن در تعدیل قواعد و چارچوب های شرعی معلوم و مشخص شود که در چه مواردی عرف حاکم، می تواند در بستر قواعد شرعی جاری و ساری در جامعه، به کمک قانون آمده و اجرای آن را تسهیل کند. همچنین در این تحقیق برای اولین بار مبانی نظم عمومی به صورت مستقل و مفصل مورد تحقیق قرار می گیرد و این مبانی در حقوق کیفری ایران، مورد کنکاشی دقیق قرار خواهد گرفت و آثار آن بر حقوق کیفری شکلی و ماهوی مورد تدقیق قرار می گیرد.

تأیید استاد راهنما

